

اخلاق اسلامی

www.ketab.ir

شہید محراب

آیة اللہ سیّد عبدالحسین دستغیب

سرشناسه: دستغیب، عبدالحسین، ۱۲۹۲-۱۳۶۰.
 عنوان و پدیدآوران: اخلاق اسلامی / عبدالحسین دستغیب
 مشخصات نشر: مشهد: هاتف، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص
 شابک: ۸-۲۳۶-۴۸۴-۹۶۴-۹۷۸ بها:
 یادداشت: فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
 یادداشت: کتابنامه: به صورت زیر نویسی
 موضوع: اخلاق اسلامی
 رده بندی کنگره: BP ۸/۲۴۷ نشانه اثر: ۱۳۸۹ ۳ الف ۵۵ /
 رده دیویی: ۲۹۷/۶۱
 کتابخانه ملی ایران

شابک ۸-۲۳۶-۴۸۴-۹۶۴-۹۷۸



نشر هاتفا

مراکز پخش:

مشهد - خیابان آزادی - بازارچه سراب - پاساژ امیر (نشر هاتف)
 تلفن: ۳۲۲۵۵۲۰۰ - ۳۲۲۵۳۹۲۸
 مشهد - خیابان امام خمینی مقابل آموزش دپوروش کوچه سجادی - نیش سجادی ۶ (نشر هاتف)
 تلفن: ۳۲۲۳۵۴۲۱ - ۳۲۲۵۰۸۳۷
 تهران - خیابان انقلاب - خیابان فروردین - کوچه بهشت آئین - پلاک ۹ (نشر هاتف)
 تلفن: ۶۶۴۱۵۴۲۰ - ۶۶۹۶۲۹۵۹

نام کتاب	: اخلاق اسلامی
تألیف	: شهید محراب آیت الله سیدعبدالحسین دستغیب
ناشر	: انتشارات هاتف مشهد
نوبت	: دوم - ۱۳۹۴
چاپخانه	: دقت
تیراژ	: ۱۵۰۰ جلد
قطع	: رقعی
تعداد صفحه	: ۱۶۸ صفحه
قیمت	: ۶۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

فهرست موضوعات

پیشگفتار

- محمد در برترین درجات اخلاق ۱۴
- خداوند متعال، پاک کننده است. ۱۵
- زحمت تهذیب و تحصیل اخلاق نیک ۱۶
- تزکیه پیش از تعلیم ۱۷
- اخلاق علمی و عملی ۱۷
- اهتمام شهید دستغیب به مجالس اخلاق ۱۸
- خودشناسی و خداشناسی، مقدمه اخلاق ۱۹
- نمونه‌هایی از خوی‌های ناپسند ۱۹
- خواندن برای به کار بستن است ۱۹
- ادای حق را فراموش نکنید ۲۰

جلسه اول: سد شکسته شده تجدید نشود

- چرا از هم جدا باشیم؟ ۲۲
- پزشک نااهل و عالم بی عمل ۲۳
- خودسازی همراه با تعلیم ۲۴
- گام نخست در تهذیب، تفکر است ۲۴
- اندیشه در مبدأ تکوین (نطفه) ۲۵
- اندیشه، جلو تخیلات فاسد را می‌گیرد ۲۶

- لباس خارکنی ایاز و کاخ سلطنتی ۲۷
- فراموشی بدترین بلاها ۲۹
- خضوع، تنها برای خدا ۲۹
- آزادی در پرهیزگاری است ۳۰
- چهارده سوگند برای اهمیت تهذیب نفس ۳۱

جلسه دوم: لزوم تفکر در خلقت انسان

- قوه عقل برای تعقل و اندیشه ۳۳
- پدیده بدون پدیدآورنده محال است ۳۴
- ناخن، برای دفع فضولات و تکیه انگشت ۳۵
- گودی وسط پا برای راحتی کارهای پا ۳۶
- آیا آن که آفریده نمی‌داند؟ ۳۷
- برهان ساده برای معاد ۳۸
- پرهیزگاران از نعمت‌های جاودانی بهره‌مندند ۴۰
- تا کدام جنبه را تقویت کند ۴۱
- حرص، انسان را به هر جنایتی وامی‌دارد ۴۱
- پاداش گرامی داشتن زایر حسین علیه السلام ۴۳
- آرزو دارم گلی گر نیستم خاری نباشم ۴۴
- بشیر و مبشر، همان نکیر و منکرند ۴۵

جلسه سوم: موضوع نبوت و شریعت، انسان است

- پاکی از خوی حیوانی و خودشناسی ۴۶
- دیگران برای تو و تو برای خدا هستی ۴۷
- چرا بدن مرده احساس ندارد؟ ۴۸
- احاطه علمی دلیل بر تجرد نفس ۴۹

۴۹	استعداد احاطه به تمام مواد.....
۵۰	خود فراموشی.....
۵۲	مؤمنین، جوان به بهشت می‌روند.....
۵۲	بر صورت‌هایی مانند سیرت‌ها محشور می‌شوند.....
۵۵	عقاب آخرتی غیر از عقوبت دنیوی است.....
۵۵	تکامل در آخرت.....
۵۶	اگر رحم‌داشتی توقع رحمت داشته باش.....
۵۷	رفتار حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> با زبردستان.....
۵۸	انقلاب اسلامی، مقدمه ظهور حضرت مهدی (عج).....
۶۱	تجربه مشروطه نباید تکرار شود.....
۶۱	امام زمان و گسترش عدالت.....

جلسه چهارم: کیفیت تکوین و خلقت انسان

۶۴	چرا احساس درد، رحمت است؟.....
۶۵	انتخاب طبیعت تناقضی آشکار.....
۶۶	میلیون‌ها سلول برای هر عضو بدن.....
۶۷	خضوع در برابر احسان‌های خداوند.....
۶۸	پیش از زوال نعمت، آن را بشناسیم.....

جلسه پنجم: حکمت الهی در سرتاسر بدن

۷۰	راه آشنایی با مبدأ و معاد.....
۷۱	ماده بی شعور نمی‌تواند چیزی بیافریند.....
۷۱	اشکالی عمده به فرضیه داروین.....
۷۲	فهم انسان زاینده ماده نیست.....
۷۳	احاطه علمی، نشانه تجرد روح است.....

- ۷۴ بدن در آخرت آثار مادی ندارد.
- ۷۵ منکرین هیچ‌گونه برهانی ندارند.
- ۷۶ اختلاف چهره‌ها و حنجره‌ها.
- ۷۷ احترام به گور مرده‌ها نشانه قبول معاد است.
- ۷۸ هارون و مأمون، امامان را می‌شناختند.
- ۷۸ دنیادوستی ریشه گناهان.
- ۷۹ آیا منافقین امام را نشناخته‌اند؟

جلسه ششم: معنای انقلاب فرهنگی

- ۸۱ تهذیب، دانستن و عمل کردن.
- ۸۲ ملکه و خوی یک دفعه پیدا نمی‌شود.
- ۸۳ علی علیه السلام هم ریاضت می‌کشید.
- ۸۴ خشم از خوی‌های حیوانی.
- ۸۵ راه‌گریز از خشم.
- ۸۶ مالک اشتر و جوان بی‌ادب.
- ۸۷ آیا کلوخ انداز را پاداش سنگ است.
- ۸۸ بردباری در برابر خشم، خوی انسانی است.
- ۸۹ پاسخ جالب محقق طوسی به شخص جاهل.
- ۸۹ منشأ نزاع چیست؟
- ۹۲ من سزاوار صدمه بیشتر هستم.
- ۹۳ جلوگیری از خونریزی در خودداری از خشم‌ورزی.

جلسه هفتم: خشم رحمانی و شیطانی

- ۹۶ وجود خشم در انسان ضروری است.
- ۹۶ خشم حیوانی از لحاظ کم و کیف.

- ۹۷..... رفتار حضرت سجاده^{علیه السلام} در برابر غلامی که فرزند آن.....
- ۹۷..... بزرگوار را کشت.....
- ۹۸..... خلاف توقع موجب خشم بی جا می شود.....
- ۹۹..... ورع، ایمان را قوی و طمع را ضعیف می کند.....
- ۱۰۰..... توقع را کم کنید تا خشمناک نشوید.....
- ۱۰۰..... خشم در برابر ستمگر و گناه آشکار.....
- ۱۰۱..... تلافی اگر بیشتر شد تلافی دارد.....
- ۱۰۲..... آخرت برای کسانی است که برتری نخواهند.....
- ۱۰۴..... علاقه به آخرت، هنگام خشم و شهوت معلوم می شود.....

جلسه هشتم: شهوت، منشأ تداوم نسل بشر

- ۱۰۶..... پیشرفت معنوی نیز در خشم و شهوت است.....
- ۱۰۶..... افراط و تفریط در خشم و شهوت، مهلك است.....
- ۱۰۷..... حد وسط در خوردن، زیاده روی نکردن است.....
- ۱۰۸..... سفره رنگین و بیماری های گوناگون.....
- ۱۰۹..... در شهوت جنسی نیز حد وسط رعایت شود.....
- ۱۱۰..... حد وسط در زناشویی، نسبی است.....
- ۱۱۰..... تشکیل خانواده و برکات معنوی آن.....
- ۱۱۱..... نه ستم کنید و نه زیر بار ستم بروید.....
- ۱۱۲..... انسان های بی تفاوت مرده اند.....
- ۱۱۳..... پیغمبر^{صلی الله علیه و آله} توقع احترام نداشت.....
- ۱۱۴..... پیروی روحانیین از روش پیامبر^{صلی الله علیه و آله}.....
- ۱۱۵..... روش پیغمبر و ائمه در توقع نداشتن.....
- ۱۱۶..... حضرت رضا^{علیه السلام} و مرد ناشناس در حمام.....

توقع سلام و احترام نداشته باشیم..... ۱۱۶

جلسه نهم: لزوم اطاعت شهوت و غضب از قوه عقل

بهره‌های مادی و معنوی از خوراکی‌ها ۱۱۸

شکم پرستی و خوردن با غفلت ۱۱۹

با یاد خدا خوردن و حق شناسی منعم ۱۲۰

اعتدال در ازدواج و خشم ۱۲۰

عابدی که به زمین فرو رفت ۱۲۱

پیغمبر ﷺ هرگز خشم شخصی نداشت ۱۲۱

معامله علی علیه السلام با دشنام دهنده و عمرو بن عبدود ۱۲۲

پیغمبری از یک شهید ۱۲۳

حمیت، قومیت و گروه گرایی ۱۲۴

عربیت شعار جاهلیت تا به امروز ۱۲۴

عرب به واسطه حمیت هلاک می شود ۱۲۵

گروه گرایی خلاف شرع مقدس است ۱۲۶

تمایز دوست داشتن ارحام با تعصب ۱۲۷

اهمیت دادن به خدمات دولت اسلامی ۱۲۸

انصاف، مقابل حمیت جاهلیت است ۱۲۹

جلسه دهم: رعایت اعتدال در هنگام خشم

خشم به زبان و دست و قلب باید محدود باشد ۱۳۱

بدی را به نیکی پاسخ دادن ۱۳۲

با دفع به احسن، طرف خجل می شود ۱۳۳

تلافی به مثل در محدوده شرع ۱۳۴

وقار و آرامش در برابر حمیت جاهلیت ۱۳۵

- ۱۳۷..... صلح نامه حدیبیه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با مشرکین
- ۱۳۸..... محمد صلی الله علیه و آله و سلم در هر حال پیغمبر است
- ۱۳۸..... روحانیون، خدمتگزاران ملت هستند
- ۱۳۹..... آرامش را از کف ندهید
- ۱۴۰..... تجاوز از حد خشم در اعضا
- ۱۴۰..... ستم ابتدایی را تحفل نکنید
- ۱۴۲..... تجاوز خشم در مرحله دل

جلسه یازدهم: حسد، سلامتی جسم را از بین می برد

- ۱۴۴..... اثر آزادی روان در هضم غذا
- ۱۴۵..... از بین رفتن ایمان به وسیله حسد
- ۱۴۶..... با حسدورزی انقلاب را تباه نکنید
- ۱۴۶..... علما را حسد هلاک می کند
- ۱۴۷..... قاضی حسود برای قتل امام سعایت می کند
- ۱۴۹..... علم به واقعیات به خواندن تنها نیست
- ۱۵۰..... حاسدین زیر بار ولایت فقیه نمی روند
- ۱۵۱..... روز نماز جمعه، روز عزای دشمن

جلسه دوازدهم: علم مانند مال و مقام، کبرآور است

- ۱۵۴..... فراموش بندگی به واسطه جهل مرکب
- ۱۵۴..... به دو علت خودکشی می کند ولی نمی میرد
- ۱۵۵..... فقر ذاتی و وصفی و فعلی موجودات
- ۱۵۶..... دانشمند نیز در دانشش به خدا نیازمند است
- ۱۵۷..... طبیبی که پسرش را اشتباهاً کشت
- ۱۵۸..... دانشمند باید متواضع باشد

جلسه سیزدهم: توجه به سخنان علی علیه السلام چاره کبر

- با پرورش کبر، خود میزان حق می شود!! ۱۶۰
- کبر به مال در نتیجه جهل به واقعیات ۱۶۱
- خطر کبر برای عالم ۱۶۲
- من از هر کوچکی کوچکترم ۱۶۳
- من در برابر شما احساس حقارت می کنم ۱۶۳
- شیر را بچه همی ماند بدو ۱۶۴
- خطرناک ترین چیزها برای دل، حب ریاست است ۱۶۵
- تعصب در عالم نااهل ۱۶۶
- قصد خدمتگزاری با ریاست طلبی دو تا است ۱۶۶
- حضرت داوود از زره فروشی نان می خورد ۱۶۷
- کارگری بزرگان، چاره کبر ۱۶۷
- با تمرین از دستور دادن بپرهیزید ۱۶۸
- پایان ۱۶۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۱.

«برگزیده شدم تا خوبی‌های پسندیده را کامل گردانم».

گفتار و کردار آدمی حتماً به دنبال علم، اعتقاد و ملکات است. وقتی فعل اختیاری از روی اراده صادر می‌گردد با تصور موضوع و فایده و شوق به آن انجام می‌گیرد؛ مثلاً شخص، احساس تشنگی می‌کند و می‌داند آب در نزدیکی اوست و خاصیت آشامیدن آب نیز رفع تشنگی است، این مطالب را می‌داند لذا دست به سوی جام آب دراز می‌کند و می‌آشامد، می‌بینید این یک کار معمولی وقتی بر طبق اراده واقع شود حتماً ناشی از علم و به تعبیری ناشی از تصور موضوع، فایده و تصدیق به آن است.

مثالی نیز نسبت به ملکات می‌آوریم، کسی که بخیل است در مواردی که به نیازمند دیگری علم پیدا می‌کند اصلاً اراده کمک و

همراهی به آن شخص در او پیدا نمی‌شود، برعکس فرد کریم به مجرد برخورد به نیازمند بدون درنگ در صدد احسان به وی بر می‌آید چون کرمش موجب برانگیخته شدن و احسان کردنش می‌گردد.

این‌ها امور محسوس است. در شرع مقدس اسلام برای تحصیل عقاید و ملکات پسندیده، دستورات ویژه‌ای رسیده تا به برکت پیدا شدن ملکات فاضله در مرحله عمل نیز نتیجه کامل گرفته شود و به واسطه عقاید حقه و علوم صحیح و مطابق واقع، کار انسان نیز تصحیح گردد.

روایات متعددی از طریق ائمه اطهار علیهم‌السلام رسیده که مکارم اخلاق را در درجه عالی، مربوط به انبیا دانسته و آن را عطیة الهی می‌شمردند و مردم را تشویق می‌فرمایند که به تحصیل اخلاق فاضله اهتمام ورزند.^۱

محمد در برترین درجات اخلاق

مکتب انبیا مکتب انسان سازی است. انبیا خودشان دست پروده خدایند و مأمورند که مردم را تزکیه نمایند. در رأس ایشان وجود مقدس حضرت خاتم الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که خود، تربیت شده خداست و در قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند به تو یاد داده آن چه نمی‌دانستی».^۲ و او را از هر جهت از اخلاق فاضله بی‌نیاز کرد تا بتواند

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۹۵ (در این باره سه حدیث آمده است).

۲. «... وَ عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ...» (نساء: ۱۱۳).

عایله‌اش را که امت او تا قیامت هستند بهره‌مند سازد.^۱ و از مقام اخلاقی او چنین تعبیر می‌فرماید: «هر آینه تو بر اخلاق بزرگ هستی».^۲ آن‌گاه برنامه‌اش را تزکیه و تعلیم، پاکسازی و یاددهی، معین می‌فرماید.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره تربیت الهی نسبت به حبیبش محمد صلی الله علیه و آله چنین می‌فرماید: «هر آینه خداوند بزرگترین ملک از ملائکه‌اش را از زمان بازگرفته شدن او (محمد صلی الله علیه و آله) از شیر، همراهش ساخت و شبانه‌روز او را به راه خوبی‌ها و خوی‌های نیک، و امی داشت».^۴

در عین حال مکرر از خداوند متعال حسن خلق، درخواست می‌نمود و دوری از اخلاق زشت را طلب می‌کرد.^۵

خداوند متعال، پاک‌کننده است

شکی نیست که «مزگی» یعنی پاک‌کننده» خداوند است. در قرآن مجید می‌فرماید: «بلکه خداوند، پاک می‌فرماید هر کس را که بخواهد»^۶ و هیچ کس نمی‌تواند خودش را تزکیه کند بلکه با تبعیت

۱. «وَوَجَدَكَ غَائِبًا فَأُعْنِي» (ضحی: ۸).

۲. «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٌ» (قلم: ۴).

۳. «... وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ...» (جمعه: ۲).

۴. «و لقد قرن الله به من لدن كان فطيماً اعظم ملك من ملائكته يسلك به طريق المكارم ومحاسن اخلاق العالم ليله ونهاره»، (سفينة البحار، لغت خلق، ص ۴۱۵).

۵. و كان يقول في دعائه: اللهم حسن خلقي و خلقي و يقول: اللهم جنبني منكرات الأخلاق، (سفينة البحار، ج ۱، لغت خلق).

۶. «... بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ...» (نساء: ۴۹).

از دستورات شرع مقدس، وسیله تزکیه الهی را فراهم می‌سازد. چگونه می‌تواند خودش را پاک کند و حال آن‌که نخست باید آن را خوب بشناسد و بدی‌های آن را بداند و از راه‌ها و چگونگی اصلاح آن نیز آگاه باشد.

بدیهی است از شناسایی نفس خود، خیلی کم آگاهییم. و به تعبیر قرآن مجید در این زمینه از علم به عالم امر، جز اندکی به شما داده نشده است.^۱

رحمت تهذیب و تحصیل اخلاق نیک

مطلب دیگر آن است که طبع انسانی از همان کودکی به اشیا انس پیدا می‌کند؛ با شیر مادر، اسباب بازی و سپس به پول علاقه‌مند می‌شود و حبّ ذات یعنی خود دوستی را نیز تقویت و دنبال می‌کند. بچه کوچک برای جلب منفعت شخصی، خوراک لذیذ یا بازیچه جالب، چگونه کوشش می‌کند و اگر به او ندادند چگونه بی‌تابی می‌کند.

در قرآن مجید نیز می‌فرماید: «هر کس بخل نفسش را نگهداشت پس ایشانند رستگاران».^۲ معلوم می‌شود که نفس همه، دارای صفت «بخل» است که اگر نگهداشته شود موجب رستگاری است، پس همه باید برنامه تهذیب اخلاق را دنبال نمایند هر چند برخلاف میل نفس است اما چاره‌ای از آن نیست.

۱. «... وَ مَا أَوْتَيْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵).

۲. «... وَ مَنْ يُوقِ شَحْ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر: ۹).

تزکیه پیش از تعلیم

در دو آیه قرآن که برنامه انبیا یادآوری شده است.^۱ و وجه آن شاید چنین باشد که نخست باید زمینه مساعد را آماده نمود و سپس نهال علم را غرس کرد تا بارور شود و گرنه:

زمین شوره سنبل بر نیارد

در او تخم عمل ضایع مگردان

عالم بی عمل، پایانی همچون «بلعم باعور» دارد. آن عالم فاسدی بوده است که در قرآن او را به سگ مثل می‌زند^۲ یا همچون الاغی که کتاب‌ها را حمل نماید.^۳

اخلاق علمی و عملی

برای تهذیب نفس و تحصیل اخلاق فاضله، از مسیر علم و عمل دو راه اساسی است: «تخلیه و تحلیه» و یا به تعبیری: تزکیه و پاک شدن همراه با آراسته شدن به کمالات، از این دو راه میسر می‌گردد. کسی که تصمیم دارد از ملکات رذیله پاک شود و به اخلاق نیک آراسته گردد، نخست باید از روی علم، صفات ناپسند و پسنندیده را بشناسد آن گاه از راه‌هایی که معلم بزرگ اخلاق، حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام معین فرموده‌اند، صفات ناشایست را از خود بزدايد و ملکات فاضله را به دست آورد. نکته‌ای که باید یادآوری شود این است که چون «مزگی»

۱. «... وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ...» (آل عمران: ۱۶۴ و جمعه: ۲).

۲. «... فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ...» (اعراف: ۱۷۶).

۳. «... كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَشْفَارًا...» (جمعه: ۵).

خداست تأکید می‌شود که باید تحصیل این کمالات را از خدا خواست و از او یاری جست. همان طوری که در روایات وارده در اصول کافی، در باب مکارم اخلاق، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس این صفات و فضایل را داراست، خدای را بر آن سپاس گوید و هر کس ندارد، آن را از خدا بخواهد».

اهتمام شهید دستغیب به مجالس اخلاق

شهید مظلوم ما به تهذیب طلاب علوم دینی، علاقه خاصی داشت. درس اخلاق را هر پنجشنبه برایشان می‌گفت و نسبت به آنان اهتمام بیشتری می‌ورزید و می‌فرمود: شما باید الگو و نمونه اخلاق اسلامی در اجتماع باشید، هر چه بیشتر مهذب شوید، در تهذیب اجتماع کوشیده‌اید چون شما باید بیش از گفته‌هایتان مردم را با کارها و اخلاقتان هدایت کنید و به اخلاق اسلامی آشنا سازید. پس از تأکید امام امت علیه السلام به وحدت دانشجو و روحانی، آن بزرگوار که سخت به منویات امام اهتمام داشت، از جوانان دانشجو درخواست نمود تا در جلسه اخلاق مزبور که هر پنجشنبه در «مدرسه علمیه حسینیة قوام» تشکیل می‌شد، شرکت نمایند.

انبوه جوانان پسر و دختر نیز این دعوت را پذیرفتند و آن بزرگوار هر هفته درباره اخلاق اسلامی، داد سخن می‌داد.

در مجموع، سیزده مجلس از این سخنرانی‌ها ضبط گردید و تعطیلات متعدد، مانع ادامه این بحث‌ها بود. آن مظلوم بنا داشت در سال جاری نیز آن را دنبال نماید لیکن لقای خداوند برایش بهتر بود و دست منافقین از خدایی خبر او را از ما گرفت.

خودشناسی و خداشناسی، مقدمه اخلاق

این بحث‌های جالب که از نوار پیاده شد، آن را مطالعه می‌کنید، از خودشناسی شروع می‌شود. هر کس باید بفهمد که برای جهان دیگر و عالم فوق، به دنیا آمده است، هدف را فراموش ننماید. باید آفریدگارش را بشناسد و وظیفه‌ای که نسبت به او دارد بداند. بخش دیگر، اهتمام آن شهید به معرفی اخلاق انسانی و حیوانی است. نخست باید کسی که در راه «تهذیب» گام بر می‌دارد، خوی‌های زشت را بشناسد تا از آن‌ها بپرهیزد و خوی‌های پسندیده را بداند تا به دنبال تحصیل آن‌ها برود.

نمونه‌هایی از خوی‌های ناپسند

آن‌گاه بعضی از اخلاق ناشایست را عنوان می‌کند، درباره کبر، حرص، بخل و حب دنیا بحث‌ها می‌نماید. در موضوع خشم سخن‌ها دارد و خشم رحمانی و شیطانی را شرح می‌دهد. حد وسط افراط و تفریط را با بیانی بسیار رسا و جالب پیاده می‌نماید. افسوس که عمرش کفاف نداد تا این بحث‌ها را ادامه دهد و اجتماع را از سخنان جانفزایش بهره‌مند سازد.

اما خدای را شکر که کتاب «قلب سلیم» او سال‌های قبل مکرر به چاپ رسیده و هم‌اکنون نیز تجدید چاپ می‌شود. در این کتاب، یک دوره اخلاق با قلمی شیوا و رسا با کمال سادگی و روانی، گردآوری شده، امید است از این کتاب جالب بهره‌مند گردیم.

خواندن برای به کار بستن است

نکته‌ای که در این جا باید متذکر شوم این است که مطالعه کتاب

اخلاقی نه تنها برای دانستن بلکه برای به کار بستن است و دانستن مقدمه عمل کردن می‌باشد. کسانی که این کتاب را می‌خوانند، حجت الهی بر آنان تمام می‌شود. هر چند اگر این کتاب و امثال آن را نمی‌دانستند نیز حجت نداشتند؛ زیرا به آنان گفته می‌شود، چرا دنبال آن نرفتید.

اینک که مفسد حب دنیا، کبر، حرص و غیره را شناختیم، باید به دنبال درمان این بیماری‌های خانمان سوز برآییم، به همان چاره‌های علمی و عملی که آن شهید مظلوم، در این کتاب و کتاب شریف «قلب سلیم» متذکر شده است.

ادای حق را فراموش نکنید

ضمناً یادآور می‌شوم که حق معلم خیلی زیاد است، مبادا در ادای حقوق، کوتاهی نماییم. در هنگام زندگی، ادای حق در دنیا مطابق وضع دنیوی و پس از مرگ نیز مطابق وضع اخروی است. اینک که این معلم اخلاق و مهذب نفوس از میان ما رفته است، باید تا آن جایی که امکان دارد، حش را ادا کرد هر چند حق بزرگ او ادا شدنی نیست.

او عنایتی خاص به دعای خیر مؤمنین داشت، لذا در مقدمه کتاب «داستان‌های شگفت» می‌نویسد: این داستان‌ها را نوشتم تا پس از من، عزیزی از آن‌ها استفاده برده و حال خوشی نصیبش گردد، باشد که مرا به دعای خیر یاد کند، یا در وصینامه‌اش راجع به محل دفن خود می‌نویسد: جایی دفن شوم که از دعای عابرین بهره‌مند گردم، لذا ادای حق آن معلم اخلاق به انجام درخواستش

می‌باشد، او را از دعای خیر فراموش ننماییم و با ذکر صلوات و قرائت فاتحه، روانش را شادتر سازیم.

همچنین همراهان باوفایش و فرزند دل‌بند من «سید محمد تقی دستغیب» جوان عزیزی که در عنفوان شباب از کمالات جد بزرگوارش بهره‌ها برده بود و او را در شهادت نیز تنها نگذاشت و یاران صمیمی دیگر که جانشان را در طبق اخلاص نهادند و با امام جمعه محبوب خود رهسپار لقای خداوندی شدند: عبداللهی، جبّاری، منشی، سادات، جوانمردی، رفیعی، جعفری و حبیب‌زاده. خداوند! روان همه آنان را شاد فرما و به درجاتشان بیفز و رحمت بی‌پایانت را شامل حال آنان و ما بگردان. آمین یا رب العالمین!

تشکر و قدردانی

در خاتمه، وظیفه خود می‌دانم تا از همه کسانی که در نشر این کتاب همکاری کرده‌اند، کسانی که نوار گرفته و در اختیار ما گذاشتند، مدیر، حروفچین، کارگران محترم چاپخانه و همه کسانی که به نوعی در «انتشارات کتابخانه مسجد جامع عتیق» کمک می‌نمایند، تشکر و قدردانی نمایم و از درگاه خدای تعالی برای آنان اجر جزیل آرزو می‌نمایم، بمنه و کرمه.

شیراز - فروردین ماه ۱۳۶۱

سید محمد هاشم دستغیب